



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



مصاحبه ژورنالیست آلمانی با اعلیحضرت امان الله خان و همسر شان ملکه ثریا

محترمه خانم دکتور عالمه درالیمه حین تکمیل و نوشتن تیزس دکتورایش زیر عنوان « فرود و فراز مناسبات افغانستان و آلمان در سالهای ۱۹۱۹ الی ۱۹۲۹ » که عنوان آلمانی این کتاب تیزس دکتورا (Die Beziehungen zwischen Afghanistan und Deutschland in den Jahren 1919-1929) در آرشیف وزارت خارجه آلمان به سندی دست یافته که در آن مصاحبه یک ژورنالیست آلمانی با اعلیحضرت امان الله خان و همسر شان ملکه ثریا در کشتی (مولتان) صورت گرفته است که احتمالاً این کشتی اعلیحضرت امان الله خان را به صوب تبعید ناخواسته بدرقه میکرد. محترمه داکتور عالمه جان متن این سند و یا این مصاحبه را چنین ترجمه کرده است و خالی از مفاد نخواهد بود تا هموطنان عزیز ما این متن را بخوانند و بدانند که تقصیر اصلی این همه وحشت و کجاست؟

در

دهشت

و

شماره سند این مصاحبه در آرشیف وزارت خارجه آلمان

PAA Bonn, Ber. a. Ramleh v. 5.7.29, III 0466, i. Akt.Afghanistan, Bd. 6

متن مصاحبه:

نخست جواب ملکه ثریا در برابر سوالات ژورنالیست آلمانی در باره سقوط رژیم امانی: "اگر درد و الم شوهرم را بزرگ نسازم من این سقوط را پذیرایی می کنم که بلاخره به من دوباره آزادی را اعطا نمود. کسی نمی تواند تصور کند که من در افغانستان چه را تحمل می کردم. پدرم رهبر یک قوم سرحدی افغانی بود، مادرم یک سوریه ی است و من در دمشق بزرگ شده ام. هنگامیکه من از یک فضای روشنفکری دمشق به کابل آمدم، نمی توانستم خود را با شرایط افغانستان وفق بدهم. افغانستان یک کشورخشن و غیر دوستانه است و شهروندان اش با خشونت بی سابقه همراه اند. فقط عشق من به شوهرم و خاطرات فراموش نشدنی شاد دوران جوانی ام مرا کمک کردند تا ضربات سرنوشت را تحمل کنم" شاه امان الله می گوید: "من یک خیالیاب و بی پروا نیستم. من می خواستم با آنان (ملاها) کمپورامایز را پیش ببرم اما آنها نمی خواستند از هیچ نوع نوآوری بشنوند، حتی بهبود ضروری ترین وسایل تخنیکی را نمی پذیرفتند. مثلاً تلفون را به حیث کشف شیطان رد می کردند. دلایل من در مورد خطوط تلفون در شهرهای مکه و مدینه به دلیل اینکه در آن جاها اسلام تحریف شده است، رد می شد. شفاخانه نمی توانستم اعمار کنم چون یگانه حفاظت در برابر مرضی ها تعویذ (شوئیست) مطرح بود، کاغذ های با نقل قول از آیات قرآن که مریض باید می نوشید و یا در زیر بالشت می گذاشت. مالیات منظم را نمی خواستند برسمیت بشناسند چون برضد اوامر خداوند پنداشته می شد و نظر به برداشت آنان خداوند چنین چیزی را حکم نمی فرمود. برضد مقررات من در مورد پاسپورت (تذکره) بگونه شدید مبارزه می شد برای اینکه باید مردان عکس می گرفتند، طوریکه در تمام دنیا معمول است. علما (ملاها) می گفتند کسی که می گزارد عکس اش گرفته شود، در یک سال، در یک ماه و یا در یک روز میمیرد. اکثر مردم به نواحی پولیس می آمدند و پیشنهاد می کردند که برای آنها خوشایند تر است تا 50 شلاق بخورند تا عکس آنان گرفته شود. تحت چنین شرایطی باید مبارزه صورت میگرفت. من باید اولتر یک اردوی قوی و اردوی قابل اعتماد می ساختم اما ساختن یک اردوی قوی هزینه می خواست، در یک کشور نادرمانند افغانستان این هزینه را از کجا می گرفتیم؟ به هر حال آرزومندم که حد اکثر بعد از یک سال دوباره به خواست مردم افغانستان در کابل باشم."

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی